

## مبانی حقوق اجتماعی و سیاسی زن از منظر قرآن و حدیث

علیرضا حیدری نسب<sup>۱</sup>، محبوبه خزاعی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان.

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان.

نام نویسنده مسئول:

محبوبه خزاعی

### چکیده

زنان یکی از مؤثرترین اقشار جامعه هستند که تعلیم و تربیت ابناء بشر را به عهده دارند و تأمین سلامت زن، از واجب ترین حقوقی است که بر گردن جامعه است. زنان دارای تخصص های خاص خود و مشترک با مردان هستند که وجود شان در بعضی از این مشاغل اثرگذاری بیشتری می تواند داشته باشد. برقراری عدالت اجتماعی بر پایه تساوی انسانی در برابر قانون و وجود فرصتهای عادلانه برای زن و مرد و کاستی از نابرابریها و تبعیض های اجتماعی با توجه به واقعیت های موجود در جامعه اسلامی ایجاب می کند تا بتواناییهای بالقوه زنان و استفاده بهینه از توانمندی آنان در زمینه های مختلف حقوقی توجه خاص مبذول گردد.

این مقاله بر آن است تا حقوق سیاسی اجتماعی زن را از دیدگاه قرآن و روایات بررسی نماید. حقوقی که به حق بهره برداری از حیات شایسته و برخوردار از عدالت اجتماعی، اشتغال، مشارکت اقتصادی و فرهنگی و مسئولیتهای زنان اشاره و تأکید دارد. بر این اساس در این مقاله سعی شده است تا با روش توصیفی- تحلیلی ابتدا به تبیین دیدگاه قرآن در باره خلقت زن پرداخته و سپس نمونه هایی از حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی زن را توضیح داده و در پایان به این نتیجه می رسد که زنان مانند مردان در خلقت، فطرت و مشخصه های انسانی یکسان می باشند و این به منزله متشابه بودن حقوق زن و مرد نیست. اسلام برای زن حقوق اجتماعی نظیر شرکت در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و..... را قائل است. البته حضور زنان در جامعه باید با توجه به رعایت برخی حریم های شرعی صورت گیرد تا با شوؤن خانواده و موقعیت زن ناسازگار نباشد.

**واژگان کلیدی:** قرآن، زن، حقوق فردی، حقوق اجتماعی، حقوق سیاسی.

## مقدمه

دست بخشایشگر اسلام پرده های تاریکی و جهالت را از جمال زیبای زن برداشت و او را به عنوان انسان به رسمیت شناخت و گوهر شرف و حسن بر دامانش فرو ریخت و تاج بزرگی و افتخار بر سرش نهاد. زنان نیمی از پیکر اجتماع و از پایه های اساسی نظام خانواده هستند که همین امر، عامل اصلی در شکل گیری حقوق ویژه آنان است. از گذشته تاکنون با توجه به فرهنگ، مذهب، شرایط زندگی و مانند آن حقوقی برای زن در نظر گرفته اند اما متأسفانه حقوق زن در پرده ای از ابهام بوده و در هر دوره ای با او به گونه ای برخورد شده است و می شود. زمانی زن را طفیل مرد می دانستند و حقوق کمتری برای او در مقایسه با مرد قائل می شدند. امروزه نیز برخی خواستار آزادی و همسانی حقوق زن و مرد، بدون در نظر گرفتن جنسیت آنها هستند.

در شرایطی که زن هیچگونه ارزشی نداشت حتی در انسانیت او تردید می کردند، تا جایی که زنده به گور می شد، دین مبین اسلام آمد و با بیان کامل حقوق زن و جایگاه وی در خانواده و اجتماع، تمامی اندیشه های خرافی آن روز را باطل شمرد و با دقت نظر و دوراندیشی و بدون افراط و تفریط حقوق زن را بیان داشت و در راستای تشریح حقوق همه جانبه زن، به پدیده دختر کشی پایان داد و اعراب را از این کار زشت و ناپسند برحذر داشت. «..... لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ ..... فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم» {۱}

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ قَتَلْتَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا و فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نرسانید روزی آنها بر شما نیست، «آنها و شما را ما روزی می‌دهیم چرا که قتل آنها گناه بزرگی بوده و هست.» {۲}

قرآن کریم در زمانی نازل شد که زن از ساده ترین حقوق خود محروم بود، زن ارث نمی برد بلکه چونان اموال به عنوان میراث به دیگران داده می شد. {۳}

در چنین فضایی قرآن می فرماید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان آنان بر جای گذاشته‌اند سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان آنان بر جای گذاشته‌اند سهمی خواهد بود خواه آن مال کم باشد یا زیاد نصیب هر کس مفروض شده است.» {۴}

اسلام همزمان با آشنا کردن زنان به حقوق واقعی خود شخصیت و کرامت فراموش شده ایشان را احیا نمود. در قرآن کریم توجه ویژه ای به زن شده و حقوق سازگار با طبیعت وی قرار داده شده است.

با توجه به آیات قرآن کریم، کتاب انسان ساز و راهنمای بشریت و سیره و سنت پیامبر می تواند نسل حاضر را در دستیابی به پاسخ پرسشهای زیر رهنمون سازد:

- ۱- نظر قرآن در باره خلقت زن چیست؟
  - ۲- از دیدگاه قرآن و اسلام آیا زن و مرد از حقوق مساوی برخوردارند؟
  - ۳- قرآن چه حقوق سیاسی و اجتماعی را برای زن در نظر گرفته است؟
- محور اصلی این مقاله تبیین حقوق سیاسی و اجتماعی زن از منظر قرآن و روایات است. لذا قبل از ورود به بحث اصلی سیر تحولی وضعیت حقوقی زن را در طول تاریخ به اختصار بیان می کنیم.
- سیر تحولات تاریخی در حقوق زنان، به سه دوره جداگانه تقسیم می شود که به اختصار توضیح می دهیم.

## الف - دوره وحشی گری، بربریت و بت پرستی

در این دوره زن را انسان نمی دانستند بلکه از نظر ایشان موجودی بی ارزش و بدون اختیار و حقوق انسانی بود که به راحتی به تملک هر کسی در می آمد. نخستین قبیله ای که دختر کشی کرد، قبیله «بنی تمیم» بود. «قیس بن عاصم» اولین کسی بود که دخترش را زنده به گور کرد و این رسم در میان اعراب رواج یافت. خداوند در قرآن آنان را اینگونه توصیف می کند: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ \* يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ \* در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش سیاه می‌شود و به شدت خشمگین می‌گردد \* بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد؛ (و نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟! چه بد حکم می‌کنند!» {۵}

## ب- دوران ظهور تمدن یونان، مصر، روم و ایران

که ادیان توحیدی و باور پرهیزگاران و پارسایان، عواطف و احساسات بشری را با منطق و دانش همراه ساخت. در این عصرزن از نظر مادی انسان به شمار می رفت ولی فقط از همین نظر و تا همین اندازه، شریک زندگی مرد بوده و هنوز از نظر معنوی و اجتماعی شخصیت حقوقی نداشت و پیرو و فرمانبر اراده مرد بود.

## ج- دوران ظهور اسلام

که با آموزه های ارزشمندش، زن را از موقعیت نامطلوب نجات داد و به وی شخصیت حقوقی بخشید. در نتیجه، زن مسلمان توانست به تدریج جایگاه خود را در میان جامعه بیابد و از بسیاری از موهبت ها بهره مند شود. در سیر تاریخی از آغاز آفرینش تا امروز در تمام سرزمین ها، اقوام، آیین ها، فرهنگ ها، اجتماعات و فلسفه های گوناگون از یک زاویه به زن نگریسته نشده است. از طرفی تفکر و نگرش دیگری نیز در سیر تاریخ منادی ارزش، فضیلت، کرامت و شخصیت انسانی زن بوده و بشریت را به سوی آن فراخوانده است. این اندیشه که از آغاز آفرینش تا بعثت پیامبر (ص) استمرار داشته، دین خداست که رسولان الهی در تمام سرزمین ها، میان اقوام و فرهنگ ها ترویج کرده اند. از جمله موضوعاتی که قرآن کریم به آن پرداخته، موضوع خلقت زن و مرد است. قرآن با صراحت کامل در آیات متعددی می فرماید: «خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا. همه شما را از یک تن آفرید و هم از آن، جفت او را خلق کرد و از آن دو تن، مرد و زن فراوان برانگیخت.» {۶} و یا در آیه ای دیگر می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است» {۷} در این آیه شریفه نیز خداوند سبحان، هدف از آفرینش زن و مرد را که شناخت بیشتر ساحت کبریایی اوست، یکسان دانسته و ملاک و میزان برتری انسان ها را پرهیزگاری بیان کرده است نه زن یا مرد بودن.

تاریخ حیات اجتماعی انسان از نظر قرآن با آفرینش، یک مرد و یک زن که همسر یکدیگر بودند آغاز و از نسل آن دو جامعه بزرگ بشری گسترش یافته است، قرآن کریم همسانی های فراوانی را برای زن و مرد قائل است از جمله:

### ۱- یکسان بودن در آفرینش

زن و مرد از یک گوهر و سرشت، بدون هیچ گونه برتری از نظر خلقت نسبت به یکدیگر آفریده شده اند. و این نکته در آیات نورانی قرآن کریم بارها یادآوری شده است. آنجا که می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا..... او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیسایید.....» {۸} اسلام به سرشتی واحد در طبیعت زن و مرد اعتقاد دارد. استاد مطهری در این زمینه می نویسد: «قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریدیم.» {۹}

عبارت «خلق منهن زوجهها» در آیه شریفه به روشنی نشان می دهد که جفت حضرت آدم (حوا) از جنس خود او بوده است. {۱۰} در آیه زیر هم تأکید بر یکسانی زن و مرد دارد: «أَنَّىٰ لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مَّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ..... همانا من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگر تباها نمی کنم.....» {۱۱}

پس زن در خلقت از همان جوهر مرد است و عقاید باطلی که در این زمینه خصوصاً در دوره جاهلیت رواج داشته همه توسط آیات نورانی قرآن فسخ شده است و «مِنَ أَنْفُسِكُمْ» و «مِنَ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» در آیات یاد شده بیانگر همین مطلب است.

### ۲- یکسان بودن در فطرت

از منظر قرآن انسانها اعم از زنان و مردان در سرشت و فطرت نخستین یکسان می باشند «فِطْرَهُ اللَّهُ الَّتِي فِطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ..... سرشت خدایی، همان که جان مردم را بر آن سرشت، برای سرشت و آفرینش خدایی، دگرگونی رخ نمی دهد.....» {۱۲} برخی ویژگیها از جمله: حقیقت جویی، کمال خواهی، زیبایی پسندی، نوآوری، عشق ورزی و پرستش گری که نشأت گرفته از سرشت خاص انسانی است در زنان و مردان همسان و همانند خواهد بود.

### ۳- یکسان بودن در تکامل

زنان همانند مردان می توانند به رشد معنوی و تکامل روحی دست یابند و این مسأله اختصاصی به جنس مرد ندارد. همان گونه که قرآن این نکته را به روشنی تصریح می کند: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا.

و هرکس کاری شایسته کند، چه زن و چه مرد، اگر مؤمن باشد به بهشت می رود و به قدر آن گودی که بر پشت هسته خرماسه به کسی ستم نمی شود. «{۱۳}» «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» {۱۴} «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.»

بنابراین علاوه بر خلقت برابر، زن و مرد در ارزش‌های و آمادگی برای دستیابی به کمال والای انسانی نیز برابر هستند. هر جا سخن از ارزش و کمال است، زن و مرد با تعبیرات «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» خطاب شده‌اند و در قرآن ملاک برتری آن دو در پیشگاه خداوند، تقوا معرفی شده است. خداوند می‌فرماید:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّالِحِينَ وَالصَّالِحَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکبیا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند خدا برای همه آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است» {۱۵}

تأکید خداوند در این آیه، با آوردن واژه مؤنث در کنار مذکر، بیانگر یکسان بودن زن و مرد در پیشگاه خداوند است. همچنین با این تأکید، تمام اندیشه‌هایی را که فضیلت و شرافت انسانی را ویژه مردها می‌دانست و زن را از رسیدن به این فضیلت‌ها ناتوان می‌شمرد، مردود اعلام کرد. {۱۶}

### تساوی حقوق زن و مرد یا تشابه

زن و مرد دو انسانند و در انسانیت متساوی و متشابه یعنی در آنچه که به انسانیت انسان مربوط می‌شود برابر و همانند یکدیگرند ولی در عین حال مرد انسان مذکر است و زن انسان مؤنث. در خود طبیعت میان مرد و زن تفاوت‌هایی هست. زن ویژگی‌هایی از جمله: احساسات، عواطف، طرز تفکر، طرز برداشت‌ها، تواناییها و استعدادهای بدنی دارد که مرد ندارد و مرد خصوصیتی دارد که زن ندارد. در عین حال که در انسانیت با یکدیگر متشابه و متساوی هستند. از نظر حقوق زن و مرد متساویند ولی متشابه نیستند. تساوی توجه به کمیت است. ارزش کمی حقوق زن و مرد برابر با یکدیگر است بلکه حتی از نظر شهید مطهری ارزش کمی حقوق زن بیشتر از مرد است. {۱۷} اما از نظر کیفی اینطور نیست وظایف و حقوق این دو از نظر کیفیت از جنبه‌هایی متفاوت است. یکی از افتخارات حقوق اسلامی این است که حقوق زن و مرد را متساوی می‌داند ولی متشابه نمی‌داند.

ارسطو معتقد است که تفاوت زن و مرد تنها از جنبه کمی نیست بلکه از جنبه کیفی نیز متفاوتند. او می‌گوید: نوع استعدادهای زن و مرد متفاوت است و وظایفی که قانون خلقت به عهده هر یک از آن‌ها گذاشته و حقوقی که برای آن‌ها خواسته است در قسمت‌های زیادی با هم تفاوت دارد {۱۸} همه افراد در وظایف و آنچه برعهده آنهاست و در منافع برابرند. این تساوی به نحو احسن برقرار نخواهد شد جز با حفظ آنچه که برای هر فردی از افراد جامعه از خصوصیات فطری و آثار لازمه خلقت و شئون مختلف حیات وجود دارد. استاد مطهری در این باره می‌نویسد «تساوی غیر از تشابه است، تساوی برابری است و تشابه، یک نواختی» {۱۹} «مفهوم درست مساوات این است که حکم به تساوی زن و مرد در انسانیت کنیم و نه این که به تساوی نقش‌هایشان معتقد شویم.» {۲۰} «باتوجه به آیه «..... وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلِيَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ.....» و مانند همان وظایفی که بر عهده زنان است به طور شایسته به نفع آنان بر عهده مردان است.....» {۲۱} یکسانی حقوق زن و شوهر در زندگی زناشویی مطرح می‌شود. برای همین است که قرآن زن و مرد را به لباس تشبیه می‌کند «..... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ.....» آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید.» {۲۲} همانندی زن و مرد در حقوق و التزام هر کدام به وظایف خود سود رسانی دوسویه و همسان آنها را در پی دارد که به خاطر این سودمندی و مصونیت بخشی دوسویه و همسان به لباس می‌مانند که یکدیگر را پوشش می‌دهند. {۲۳}

### حقوق فردی زن از دیدگاه اسلام

زن علاوه بر برخورداری از حقوق خاص در دایره زوجیت، به عنوان انسانی مستقل نیز، دارای حقوقی است که به برخی از آن می‌پردازیم.

۱- **حقوق انسانی** در اسلام زن و مرد در خلقت و ویژگیهای انسانی یکسان خلق شده و از نظر ذات انسانی از حقوق یکسان برخوردارند. در این زمینه در بخش خلقت زن در قرآن به تفصیل بیان شد.

## ۲- حقّ تعلیم و تعلّم

وجوب تعلّم و علم آموزی بر همه با ذکر ۲۷ مرتبه در قرآن تأکید شده است و با استفاده از فعل امر «اعلموا» اثبات می گردد. (فعل امر اگر از بالا دست باشد دلالت بر وجوب می کند).

احادیث بسیاری نیز دلالت بر وجوب علم آموزی بر هر زن و مردی دارد. چنانکه پیامبر (ص) می فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» {۲۴} «یادگیری علم بر هر مرد مسلمان و زن مسلمان واجب است». همچنین حضرت علی (ع) دستور به یادگیری قرآن داده و می فرماید: «و تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ». {۲۵} «قرآن را بیاموزید زیرا بهترین سخنان است و در آن کنکاشی و تدبّر کنید چون بهار دلهاست.»

از این روست که دلایل وجوب علم را در آیات و روایات می یابیم، امام صادق (ع) پایه اول رسیدن به نور علم و معرفت و شهود را محقق ساختن عبودیت و بندگی خداوند در خویش می دانند: «فَأَنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ» و چنین علمی را نور خدا می دانند و می فرماید: «آن علم آموختنی نیست. همانا نوری است که در دل آن کس که خداوند بخواهد راهنمایی و هدایتش کند، قرار می گیرد» {۲۶}

قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ». {۲۷} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به شما گفته شود در مجالس جای باز کنید پس جای باز کنید تا خدا برای شما گشایش حاصل کند و چون گفته شود برخیزید پس برخیزید خدا رتبه کسانی از شما را که گروهی و کسانی را که دانشمندند بر حسب درجات بلند گرداند و خدا به آنچه می کنید آگاه است» در این نوع علم و ارزش عالم نیز زن و مرد یکسان اند.

## ۳- حقّ آزادی عقیده

زن همچون مرد، در اندیشیدن و عقاید و باورها آزاد است و تابعی از شوهر و پدر و..... نیست مستقل که در سایه عقل و منطق و اندیشه، جهان بینی و دیدگاهی را بر خود می گزیند و بر آن پایدار می ماند.

## ۴- حقّ حرمت و امنیت و حفظ آبرو و حیثیت در خانواده و جامعه

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا» {۲۸} «البته نباید چیزی از مهر او بازگیرید، آیا به تهمت زدن به زن مهر او را می گیرید و این بهتان و گناهی آشکار است.» علاوه بر این در جامعه نیز باید حرمت و احترام زن به عنوان یک انسان حفظ شده، و به عنوان ابزار تبلیغاتی مورد سوء استفاده واقع نشود. از این جمله: مزاحمت ها و نگاههای ناروای مردان که حریم آزادی و امنیت فردی زن را پایمال می نمایند. زن حق دارد به دور از اعمال تحریک آمیز در جامعه حضور فعال داشته باشد.

## ۵- حقّ ارث

از قواعد اصلی و اولیه ارث در اسلام این است که زنان نیز مانند مردان سهم مشخص از ارث می برند ارث بردن نیز فرعی از حقّ مالکیت است و زن در بسیاری از تمدنها به خصوص در عهد طلوع اسلام از ارث محروم بود و ارث دادن به زن چیزی قابل طرح محسوب نمی شد. اسلام این رسم جاهلیت را شکست و برای زن نیز مانند مرد حقی مسلم از ارث گذاشت خداوند در قرآن کریم می فرماید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» {۲۹} «برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان آنان بر جای گذاشته‌اند سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان آنان بر جای گذاشته‌اند سهمی خواهد بود خواه آن مال کم باشد یا زیاد نصیب هر کس مفروض شده است.» در شرایطی که در جامعه عرب آن روز و حتی در سایر ملل معاصر زن نه ارث می برد و نه حق مالکیت داشت ، خداوند در قرآن با این آیه زن را در کنار مرد و همانند او و ذیحق در دریافت ارث معرفی کرد و استقلال او را نشان داد . آیه دیگری که در مورد حق ارث زن و مرد تأکید دارد عبارت است از: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ .....» {۳۰} «خداوند به شما درباره فرزندان سفارش می کند سهم پسر ، چون سهم دو دختر است» از امام رضا (ع) علت نصف بودن سهم زن از ارث سؤال شد، فرمود: «به جهت این که زن زمانی که ازدواج می کند، مالی را می گیرد و مرد می دهد و علت دیگر این است که زن

عیال مرد است اگر نیاز مالی پیدا کرد مرد پرداخت می کند. از این جهت است که خداوند فرموده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» {۳۱}

#### ۶- حق آرت نشدن زن

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا .....» {۳۲} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای شما حلال نیست که زنان را به جبر واکراه میراث بگیرید.»

#### ۷- حق حسن معاشرت

یکی از حقوق و وظایف متقابل و مشترک زوجین حسن معاشرت نسبت به یکدیگر است. در زندگی زناشویی یکی از دستورات اخلاقی که بسیار مورد تأکید قرآن و پیشوایان دین می باشد تا جائیکه این دستور اخلاقی جنبه حقوقی و تکلیفی پیدا نموده همین مسأله حسن معاشرت و خوشرفتاری با یکدیگر است. اهمیت و نقش حیاتی حسن معاشرت در زندگی تا آنجاست که پیامبر گرامی اسلام در باره اخلاق در خانواده فرمود: « أَحْسَنَ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا وَ أَلْفَهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا أَلْفُكُمْ بِأَهْلِي. » {۳۳} «بهترین مردم در ایمان کسی است که خوش اخلاق تر و نسبت به خانواده خود نرم خو تر باشد و من بیش از همه شما با خانواده ام نرم خوبی می نمایم.»

همچنین امام علی(ع) در باره مدارا کردن، به مردان می فرماید: «فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفُوَ عَيْشُكَ» {۳۴} «در هر حال، با همسرت مدارا کن و لا او به نیکی معاشرت کن تا زندگی ات باصفا شود.»

حسن معاشرت و دوستی با یکدیگر و گذشت و اغماض از لغزش های یکدیگر را می توان از اصول پیشگیری و بهداشتی زندگی زناشویی دانست که با اجرای درست و دقیق آنها زندگی زن و شوهر را از آلوده شدن به بیماری های «نشوز و شقاق» و از مرگ و انهدام کانون زندگی مشترک یعنی طلاق مصونیت می بخشد {۳۵} اینجاست که می بینیم قرآن کریم با بکار بردن کنایات و استعارات زیبا و لطیف این وظیفه اخلاقی مهم را متذکر می شود. در سوره نساء به مردان توصیه می کند که «..... وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ.....» {۳۶} «و با همسرانتان بشایستگی رفتار کنید.»

و به دنبال آن اضافه می کند «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» یعنی اگر به جهاتی از همسران خود رضایت کامل نداشته باشید و بر اثر اموری آنها در نظر شما ناخوشایند باشند فوراً تصمیم به جدایی و یا بدرفتاری نگیرید و تا آنجا که قدرت دارید مدارا کنید بنابراین تا کارد به استخوان شما نرسد سزاوار است معاشرت به معروف و رفتار شایسته را ترک نکنید {۳۷} آری، اگر هر یک از زن و شوهر در روابط خویش با دیگری از قانون فطرت و خلقت پیروی کند و از آلوده شدن وجدان پاکش به رذایل اخلاقی جلوگیری کند جز حسن معاشرت و عشق به طرف مقابل نخواهد داشت. بنابراین حسن معاشرت حق و وظیفه طرفین است. اسلام به احسان به خانواده دعوت می کند و هر چه را به بنیان خانواده زیان برساند حرام می کند.

#### ۸- حق آدای واجبات و تزکیه نفس

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» {۳۸} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب انجام دهید باشد که رستگار شوید.» همچنین خدا در تزکیه نفس و پاداش اخروی آن می فرماید: «يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَادْخُلِي جَنَّتِي \*» «ای نفس مطمئنه . خشنود و خدایند به سوی پروردگارت بازگرد . و در میان بندگان من در آی . در بهشت من داخل شو.» {۳۹} همچنین قرآن عبادت و بزرگی را علت آفرینش جن و انس عنوان نموده است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُون.» «زن همچون مرد باید در طریق آدای واجبات و تزکیه نفس و معرفت الهی تلاش نماید. هیچ یک از واجبات به جهت زن بودن از زن ساقط نشده است. بنابراین شوهر و پدر و..... نمی توانند مانع آدای واجبات از جمله : نماز، حجاب و روزه و.... گردند. چرا که در قرآن و وجوب آدای وظایف شرعی بیان گردیده است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ» {۴۰} « بر انجام واجبات صبر کنید.» در تفسیر این آیه امام محمد باقر(ع) فرمود: « بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنان تان پایداری کنید و پیوند خود را با امام منتظران مستحکم کنید. صیغه امر «اتَّقُوا» در قرآن ۶۹ بار و صیغه های دیگر ۹ بار تکرار شده که دستور تقوایی به همه انسانها می باشد.

#### حقوق اجتماعی زن

اسلام نه تنها از حضور زنان در اجتماع جلوگیری نکرده، بلکه با روشهای خاصی کوشیده است زمینه های لازم را برای حضور مناسب زنان در جامعه فراهم کند. تأکید فراوان اسلام بر لزوم آموزش مسلمانان اعم از زن و مرد، نشانه توجهی است که اسلام به دانستن و در پی

آن، نقش آفرینی مؤثر انسان در زندگی دارد. در واقع، در بسیاری از فعالیتهای اجتماعی همانند امر به معروف و نهی از منکر، کار، آموزش انجام واجبات دینی همانند حجّ تفاوتی میان زن و مرد نیست، هر چند مشارکت زنان در بسیاری از این امور مستلزم این است که زنان از آگاهی های لازم برای حضور در اینگونه فعالیتهای اجتماعی بهره مند باشند. اینک به برخی از حقوق اجتماعی زن اشاره می کنیم:

#### ۱- حق قضایی زن:

یکی از مهمترین حقوق اجتماعی انسان، حقوق قضایی است که عمده آنها عبارتند از: حق طرح دعوی یا شکایت و حق مراجعه به مراجع قضایی (ولو بر خلاف میل شوهر یا پدر یا علیه آنان)، شرکت در محاکم مزبور و یا تقاضای اجرای حکم از قبیل قصاص، تعزیر و حقوق مالی یا برای ادای شهادت و امور دیگر مربوط به امر قضا. در این حقوق فرقی میان زن و مرد نیست. {۴۱}

#### ۲- حق اشتغال

اسلام حقوق اقتصادی زنان را نیز به رسمیت شناخته است. مهمترین حقوق اقتصادی آنان در اسلام عبارت است از: حق مالکیت، حق کسب و کار، حق ارث، مهر و نفقه را نیز می توان نوعی حق اقتصادی برای زنان دانست. «وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ. برای زنان از آنچه خود کسب می کنند نصیب و بهره است.» {۴۲} طبق فرمایش این آیه، زنان در فعالیت اقتصادی آزاد بوده و درآمد حاصله از این فعالیت، به خود آنان اختصاص دارد و شوهر و پدر، حقی در درآمد آنها نداشته و تصرف در مال زن بدون اذن او، مصداق تصرف در مال غیر بوده و حرام است.

#### ۳- حق سیاسی زن و ولایت عامه

«إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ. من آنجا زنی را یافتم که بر آنها سلطنت می کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت.» {۴۳}

در این آیه و آیات بعدی، پادشاهی زن پذیرفته شده و تنها بر خدایپرست نبودن وی ایراد شده است. که سبا در برخورد با مشکل، به جای توسل به زور و جنگ با مشورت و مدیریت و با تدبیر عقل و منطق، با حضرت سلیمان روبرو می شود و حق را می پذیرد. تمامی این آیات، ملکه سبا را به عنوان پادشاهی دور اندیش و مدبر و پذیرش و تسلیم از روی عمق فکری، معرفی می نماید و نشان می دهد که یک زن می تواند از تمامی مردان قوم خود عاقل تر باشد.

در سوره ممتحنه آیه ۱۰ نیز مهاجرت فی سبیل الله و فعالیت سیاسی مذهبی بر زن پذیرفته شده است.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَأَتَوْهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَأَسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكَمُ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. ای کسانی که ایمان آورده اید چون زنان با ایمان مهاجر نزد شما آیند آنان را بیازمایید خدا به ایمان آنان داناتر است پس اگر آنان را باایمان تشخیص دادید دیگر ایشان را به سوی کافران بازنگردانید نه آن زنان بر ایشان حلالند و نه آن مردان بر این زنان حلال و هر چه خرج این زنان کرده اند به شوهران آنها بدهید و بر شما گناهی نیست که در صورتی که مهرشان را به آنان بدهید با ایشان ازدواج کنید و به پیوندهای قبلی کافران متمسک نشوید و پایبند نباشید و آنچه را شما برای زنان مرتد و فراری خود که به کفار پناهنده شده اند خرج کرده اید از کافران مطالبه کنید و آنها هم باید آنچه را خرج کرده اند از شما مطالبه کنند این حکم خداست که میان شما داوری می کند و خدا دانای حکیم است.» {۴۴}

#### ۴- حق داوری زن در حکومت حضرت مهدی (عج)

امام باقر (ع) در باره قضاوت زنان و میزان رشد آنان می فرماید: « وَ تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لِتَقْضِيَ فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ » {۴۵} « در زمان حضرت مهدی (عج) حکمت عطا می شود تا اینکه زن در خانه اش مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) قضاوت می کند.» این حدیث، عدم امکان ذاتی زن در داوری را رد نموده و عوامل محیطی را مانع رشد و عدم توانایی در قضاوت می داند.

#### ۵- حق ولایت زن بر زن (امامت جماعت)

در جواهر الکلام امامت زن بر زن را جایز دانسته ولی در امامت جمعه و جماعت ذکوریت را شرط دانسته است. زن برای مردان و یا به صورت مختلط نمی تواند امام باشد {۴۶} بنابر این زن واجد شرایط امامت هست، ولی نمی تواند امام جماعت مردان شود.



## ۶- حقّ امر به معروف و نهی از منکر

قرآن به همه انسانها اعم از زن و مرد دستور می دهد در راه دین قیام کرده و تفکر کنند و خدا را بیرستند. « قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنِئِي وَفِرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ بَلَّغُوا صَوْتَكُمْ بِمَا بَلَغُوا وَأَبْصِرُوا لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ » {۴۷}

همچنین در آیه ای دیگر می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ » و باید از میان شما گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند. « {۴۸}

## حقوق سیاسی زن

زنان در با بیعت پیامبر، در هجرت، جنگ ها و حضور در اجتماعات نقش مهمی برعهده داشتند. بیعت زنان با پیامبر گرامی اسلام، مهمترین نماد مشارکت سیاسی زنان در صدر اسلام به شمار می رود، چنانکه خداوند در قرآن مجید می فرماید: «بِأَيِّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْتَصِبْنَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ » ای پیامبر چون زنان باایمان نزد تو آیند که با این شرط با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه‌های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان و حيله به شوهر نبندند و در کار نیک از تو نافرمانی نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه زیرا خداوند آمرزنده مهربان است « {۴۹} علاوه بر آن در موارد متعددی، پیامبر (ص) با اصحاب خود مشورت می کرد که برخی از مشاوران از زنان بودند. بویژه در مسائل مختلفی با خدیجه مشورت می کرد به گونه ای که ابن اسحاق از وی با نام «وزیر پیامبر» نام برده است.

حضور و نقش زنان در جنگهای مختلف از دیگر جنبه های چشمگیر و مهم مشارکت سیاسی زنان است که به صورت مستقیم در جنگ شرکت می کردند و در تدارکات و پشتیبانی جبهه نقش مهمی برعهده داشتند و در پرستاری و مداوای مجروحان، انتقال و حمل آب و غذا به جبهه، آشپزی، نگهداری وسایل رزمندگان، تهیه دارو، رسانیدن مهمات به رزمندگان، تعمیر تجهیزات آسیب دیده و انتقال مجروحان و شهیدان به پشت جبهه، از کارهایی بود که زنان در جبهه های نبرد به عهده داشتند. به علاوه در پشت جبهه هم با تشویق مردان به جنگ و شرکت در جهاد و با کمک ها غیر نقدی خود اثر گذاری فراوانی در جنگ ها داشتند {۵۰} از آنچه گفته شد، چنین استنباط می شود که در صدر اسلام برای مشارکت سیاسی زنان، منع خاصی در اسلام وجود ندارد و زنان می توانند همانند مردان از حقوق سیاسی برخوردار شوند.



## نتیجه گیری

دین اسلام به عنوان کاملترین دین و مکتب الهی دارای نظام حقوقی خاص و ویژه ای می باشد که خالق هستی این نظام حقوقی را در قرآن بیان نموده است؛ یکی از موضوعات این نظام حقوقی "حقوق زن" می باشد که در این مقاله با استناد به آیات و روایات بررسی شد و این نتایج بدست آمد که اسلام برای زن و مرد حقوق مشابهی وضع نکرده همچنانکه در همه موارد برای آن ها تکالیف مشابهی وضع نکرده است. پاره ای از حقوق و تکالیف را برای مرد مناسبتر دانسته و پاره ای از آن ها را برای زن و در نتیجه در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگر وضع نامشابهی در نظر گرفته است که این امر هم به دلیل تفاوت های طبیعی و فطری زن و مرد که قانون خلقت برای مستحکم کردن پیوند خانوادگی به وجود آورده می باشد. تساوی و مساوات به این معنی نیست که هر یک عینا مانند دیگری حقوق و وظایف داشته باشند، بلکه معنی مساوات تعدیل است.

عدل، دادن حق به هر صاحب حقی به اندازه استحقاقش می باشد. پس هر کس به اندازه ظرفیت خود حقوق و وظایفی دارد و براساس همان ظرفیت نیز بازخواست قرار می گیرد نه بیشتر و نه کمتر.

اسلام حقوق یکنواختی برای زن و مرد قائل نشده اما هرگز ترجیح حقوقی برای مرد نسبت به زن قائل نمی باشد. بنابراین تساوی به این معنی نیست که زن و مرد از حقوق یکنواختی برخوردار باشند بلکه تساوی این است که به هر کس در حد ظرفیت و توان وجودیش برخوردار از حقوقی شود و تکالیفش هم در حد وسع و توان وجودیش باشد.

لذا خداوند متعال که منشا عدل و عدالت است حقوق زن و شوهر را بر پایه این اصل بنا نهاده و حقوق و تکالیفی را برای زن و مرد ایجاد نموده است که عمل نمودن به آن موجب صلاح و رستگاری است.

## منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم . انعام/۱۵۱
- [۲] قرآن کریم، اسراء / ۳۱
- [۳] معرفت، محمد هادی، زن در نگاه قرآن و فرهنگ زمان نزول ، ترجمه حسن حکیم باشی، پژوهشهای قرآنی، تابستان ۱۳۸۰، شمارگان ۲۷ و ۲۸. ص ۲۶-۵۳
- [۴] قرآن کریم، نساء/ ۷
- [۵] قرآن کریم . نحل/ ۵۸-۵۹
- [۶] قرآن کریم، نساء/ ۱
- [۷] قرآن کریم، حجرات / ۱۳
- [۸] قرآن کریم. اعراف/ ۱۸۹
- [۹] مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، نظام حقوق زن در اسلام، قم، انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم، ص ۱۴۷
- [۱۰] قرآن کریم، آل عمران/ ۱۹۵، عظیمی، زهرا، (۱۳۸۶)، نگاهی به حقوق زن در اسلام، انتشارات مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم، چاپ زلال کوثر، ص ۱۲؛ کاظم زاده، علی، (۱۳۸۲)، مبانی تفاوت حقوق زن و مرد در نظام حقوقی ایران، نشر میزان ، چاپ اول، ص ۲۷
- [۱۱] قرآن کریم، روم/ ۳
- [۱۲] قرآن کریم، نساء/ ۱۲۴
- [۱۳] قرآن کریم، نحل/ ۹۷
- [۱۴] قرآن کریم، احزاب- ۳۵- ۳۶
- [۱۵] جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)، زن در آیینه جمال و جلال، دفتر نشر فرهنگ رجا ، تهران، چاپ دوم، ص ۱۰۱
- [۱۶] مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴)، پیرامون جمهوری اسلامی ایران، انتشارات صدرا، تهران، چاپ هجدهم، ص ۲۷.
- [۱۷] مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، نظام حقوق زن در اسلام، قم، انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم، ص ۲۰۴
- [۱۸] سید محمد حسین، فضل الله، (۱۳۸۲)، زن واقعیتها و پرسشها در گفتگو با آیت الله سید محمد حسین فضل الله، ترجمه: مجید مرادی، ص ۲۷
- [۱۹] قرآن کریم. بقره/ ۲۲۸.
- [۲۰] قرآن کریم، بقره/ ۱۸۷.
- [۲۱] طباطبایی ، سید محمد حسین ، (۱۴۱۷ ه ق)، میزان ، منشورات موسسه الاعلمی ، بیروت
- [۲۲] حکیمی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، الحیاء، انتشارات نشر فرهنگ اسلامی، ترجمه احمد آرام، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۰۱
- [۲۳] شریف رضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، خطبه ۱۱۰
- [۲۴] مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار ، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۲۲۵
- [۲۵] قرآن کریم، نساء/ ۲۰
- [۲۶] قرآن کریم، نساء/ ۲۰
- [۲۷] قرآن کریم، نساء/ ۷.
- [۲۸] قرآن کریم، نساء/ ۱۱
- [۲۹] ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵ ق)، علل الشرایع، ج ۲، باب ۳۷۱، ج ۱، ص ۲۵۷ (
- [۳۰] قرآن کریم، نساء/ ۱۹.
- [۳۱] حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، وسائل الشیعه، انتشارات موسسه آل بیت ، ج ۸، ص ۵۰۷)
- [۳۲] ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵ ق)، علل الشرایع، ج ۲، باب ۳۷۱، ج ۱، ص ۲۵۷ (
- [۳۳] حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب جمله من آداب عشره النساء، ص ۱۶۹، ج ۳.
- [۳۴] نیک، سکینه، (۱۳۷۵ ش)، حقوق زن و شوهر در اسلام، انتشارات نشر طلوع، چاپ اول، ص ۱۵۷
- [۳۵] قرآن کریم. نساء/ ۱۹
- [۳۶] قرآن کریم. حج/ ۷۷
- [۳۷] قرآن کریم، فجر/ ۲۷- ۳۰

- [۳۸] قرآن کریم، آل عمران/۲۰۰
- [۳۹] خامنه ای ، محمد، مقدمه ای بر حقوق زن ، (۱۳۸۵)، انتشارات صدرا، تهران، ص ۸۱
- [۴۰] قرآن کریم، نساء/۳۲
- [۴۱] قرآن کریم، نمل/۲۳
- [۴۲] قرآن کریم، ممتحنه/۱۰
- [۴۳] مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار ، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۵۱، ص ۳۵۲
- [۴۴] نجفی، محمد حسن، (۱۹۸۱م) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تصحیح و تحقیق محمود قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، کتاب الصلاه، الجزء الرابع، ص ۳۹۲
- [۴۵] قرآن کریم، (سبأ / ۴۶)
- [۴۶] قرآن کریم، آل عمران/۱۰۴
- [۴۷] قرآن کریم، ممتحنه/۱۰۴
- [۴۸] مرکز بررسی و تحقیقات واحد آموزش و عقیدتی سیاسی سپاه پاسداران، گروه تاریخ اسلام، (۱۳۶۷) نقش زنان مسلمان در جنگ ، ص ۱۹ .